



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
گروه علوم تربیتی

پایان نامه :

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی درسی

عنوان :

تبیین ابعاد برنامه درسی پنهان دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه تبریز

در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

استاد راهنما :

دکتر یوسف ادیب

استاد مشاور:

آقای یوسف رضاپور

پژوهشگر:

مرضیه سرداری



نام خانوادگی: سرداری	نام: مرضیه
عنوان پایان نامه: تبیین ابعاد برنامه درسی پنهان در دروس معارف اسلامی دانشگاه تبریز سال تحصیلی ۹۰-۸۹	
اساتید راهنما: دکتر یوسف ادیب استاد مشاور: یوسف رضاپور	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	گروه: علوم تربیتی
دانشگاه: تبریز	رشته: برنامه ریزی درسی
دانشکده: علوم تربیتی و روان شناسی	تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۶/۳۱
صفحه: ۱۴۲	تعداد
کلید واژه: دروس معارف اسلامی، برنامه درسی پنهان، نظام آموزش عالی، دانشجویان	
<p>چکیده</p> <p>در سالیان اخیر دغدغه ی میان صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی بروز کرده است، آیا آموزش های دینی به طور عام و دروس معارف اسلامی به طور خاص، خود حامل برخی اثرات ناخواسته و نامطلوب بر ارزشها، نگرشها و عملکرد فراگیران نبوده اند؟ پژوهش حاضر درصدد بررسی اثرات تلویحی و ضمنی ناخواسته دروس معارف اسلامی بوده و با توجه به این که موضوع اثرات تلویحی و ضمنی در حوزه برنامه درسی پنهان بحث شده است، برای تبیین موضوع و انجام پژوهش از چارچوب نظری و روش های متناسب با مفهوم برنامه درسی پنهان استفاده شده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی پیمایشی (زمینه یابی) می باشد، جامعه آماری شامل تمام دانشجویان مقطع کارشناسی می باشد که در چهار گروه آموزشی عمده، علوم انسانی، علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی، در سال های ورودی تحصیلی ۸۶ و ۸۵ در دانشگاه تبریز که مشغول به تحصیل می باشند و حداقل شش واحد از دروس معارف را گذرانده اند و با کتاب های دروس معارف آشنایی دارند انتخاب شده اند. طبق آمار دریافتی از آموزش کل دانشگاه تبریز، این تعداد برابر با ۵۲۵۶ نفر می باشد، با توجه به فرمول کوکران، ۳۵۰ نفر برای نمونه آماری این تحقیق انتخاب گردید ابزار اندازه گیری مورد استفاده در تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت بود که شامل ۴۰ سوال چهار گزینه ای بود و دو سؤال باز پاسخ بوده برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شد، یافته های مطالعه نشان میدهد که: ابعاد برنامه درسی پنهان (بار ارزشی منفی) در خصوص ماهیت و اهداف، باورها و ارزش ها، روحیه علمی درصد بالا وجود دارند و عوامل اثر گذار برنامه درسی پنهان دروس معارف اسلامی عمدتاً عبارتند از: محتوای تکراری کتاب های دروس معارف، روش ارزشیابی غلط، غیرفعال بودن روش تدریس، نداشتن اطلاعات کافی برخی از اساتید، هم چنین علی رغم این که بین دیدگاه های دانشجویان دختر و پسر در خصوص ابعاد برنامه درسی پنهان و عوامل اثرگذار بر آن تفاوت وجود ندارد ولی بین دیدگاه های دانشجویان رشته های علوم پایه، علوم انسانی، فنی و مهندسی و کشاورزی در خصوص ابعاد برنامه درسی پنهان تفاوت معناداری ملاحظه شد. و در نهایت کدگذاری محوری حاصل از تحلیل کیفی به روش نظریه مبنایی نشان داد که، سنگین بودن، خشک بودن، تکراری و جذاب نبودن مطالب دروس معارف از اساسی ترین عوامل تاثیرگذار بر بار ارزشی ناخواسته دروس معارف از نظر دانشجویان می باشد.</p>	

تقدیم به

اولین معلمان زندگیم که قلب پر مهرشان گرما بخش زندگیم و کلام شیرینشان همواره مشوق راهم بوده،

آنانکه عاشقانه سوختند تا روشنگر راهم باشند و گرما بخش وجودم.

پدر و مادر مهربانم که بوسه بر دستانشان کمترین هدیه ای است برای محبت‌ها و فداکاریهایشان.

و عزیزانم: هادی، هانیه، راضیه.

تقدیر و تشکر

شکر و سپاس پروردگار مهربان و بخشاینده‌ای را که مرا توان و فرصت آموختن عنایت فرمود، اینک به فضل و کرم، اولین دفتر به پایان رسیده است.

صمیمانه ترین و خالصانه ترین سپاسگذاری‌ها را تقدیم میکنم به:

استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر یوسف ادیب که چه در طول تحصیل و چه در مراحل انجام این پژوهش به عنوان استاد راهنما همواره از علم و دانش ژرف و فضل و بزرگواری بی اندازه ایشان بهره‌مند بوده‌ام.

استاد مشاور ارجمندم جناب آقای دکتر یوسف رضاپور که در نهایت مهربانی و بردباری در به ثمر رساندن این پایان نامه مرا یاری فرمودند و درس اخلاق را از ایشان یاد گرفتم.

و جناب آقای دکتر خلیل سلطان القرائی در کمال خلوص، داوری و بازخوانی این پایان نامه را قبول زحمت

فرمودند و در نهایت مهربانی و گشاده رویی، مثل همیشه راه درست پژوهش را برایم روشن نمودند.

و در نهایت از تمامی کسانی که مرا با کمک‌ها و تشویق‌های خود به انجام این پژوهش مصمم و دلگرم نمودند و

از این طریق راه سخت پژوهش را برایم سهل کردند، تشکر می‌کنم.

فصل اول

- ۱-۱ مقدمه..... 1
- ۲-۱ بیان مسأله..... 2
- ۳-۱ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق..... 8
- ۴-۱ اهداف تحقیق..... 11
- ۵-۱ سؤالات تحقیق..... 11
- ۶-۱ تعریف متغیرها..... 12

فصل دوم

- ۱-۲ مقدمه..... 16
- ۲-۲ پیشینه تحقیق..... 16
- ۳-۲ منشأ برنامه درسی پنهان..... 17
- ۴-۲ تعریف برنامه درسی پنهان از دیدگاه صاحب نظران..... 19
- ۵-۲ نقاط مشترک تعاریف ارائه شده در مورد مفهوم برنامه درسی پنهان..... 25
- ۶-۲ دلایل توجه به برنامه درسی پنهان..... 26
- ۷-۲ ابعاد برنامه درسی پنهان..... 28
- ۸-۲ دیدگاههای برنامه درسی پنهان..... 36
- ۱-۸-۲ دیدگاه کارکردگرا..... 37
- ۲-۸-۲ دیدگاه انتقادی..... 37
- ۳-۸-۲ دیدگاه ساختارگرا..... 37
- ۴-۸-۲ دیدگاه تعامل گرا..... 38
- ۵-۸-۲ دیدگاه لیبرال..... 39
- ۹-۲ برنامه درسی پنهان در آموزش عالی..... 39
- ۱-۹-۲ عوامل به وجود آورنده و مؤثر بر برنامه درسی پنهان در آموزش عالی..... 42

۱۰-۲ آموزش عالی.....	44
۱۱-۲ برنامه درسی در آموزش عالی.....	47
۱۲-۲ برنامه درسی آموزش عمومی.....	49
۱۳-۲ معنای لغوی دین.....	52
۱۴-۲ ابعاد دین.....	52
۱۵-۲ کارکرد دین.....	53
۱۶-۲ رویکردهای دین.....	54
۱۶-۲-۱ تبیین یونگ.....	55
۱۶-۲-۲ دورکهایم.....	57
۱۶-۲-۳ پارسونز.....	57
۱۷-۲ تاریخچه دروس معارف.....	58
۱۸-۲ اهداف دروس معارف اسلامی.....	60
۱۹-۲ برنامه درسی پنهان در دروس معارف اسلامی.....	62
۲۰-۲ پیشینه تجربی.....	64
۲۰-۲-۱ تحقیقات خارجی.....	64
۲۰-۲-۲ تحقیقات داخلی.....	72
۲۱-۲ نتیجه گیری از پیشینه تجربی.....	۷۸
فصل سوم	
۱-۳ روش تحقیق.....	81
۲-۳ جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری.....	81
۱-۲-۳ جامعه آماری.....	81
۲-۲-۳ نمونه آماری.....	82

۳-۳ ابزار گرد آوری اطلاعات.....	84
۴-۳ روایی و پایایی ابزار.....	84
۵-۳ روش تجزیه و تحلیل داده ها.....	85
فصل چهارم	
۱-۴ مقدمه.....	92
۲-۴ توصیف آماری متغیرهای پژوهش.....	93
۳-۴ سوال اول پژوهش.....	95
۴-۴ سوال دوم پژوهش.....	96
۵-۴ سوال سوم پژوهش.....	99
۶-۴ سوال چهارم پژوهش.....	100
۷-۴ سوال پنجم پژوهش.....	102
۸-۴ سوال ششم پژوهش.....	103
۹-۴ سوال هفتم پژوهش.....	107
۱۰-۴ سوال هشتم پژوهش.....	108
۱۱-۴ سوال نه.....	110
فصل پنجم	
۱-۵ مقدمه.....	116
۲-۵ خلاصه تحقیق.....	116
۳-۵ بررسی نتایج بدست آمده.....	118
۱-۳-۵ سوال یک.....	118
۲-۳-۵ سوال پژوهشی دو.....	119
۳-۳-۵ سوال پژوهشی سه.....	120
۴-۳-۵ سوال پژوهشی چهار.....	120

121.....	سوال پژوهشی پنج ۵-۳-۵
122.....	سوال پژوهشی ششم ۶-۳-۵
122.....	سوال پژوهشی هفت ۷-۳-۵
123.....	سوال پژوهشی هشت ۸-۳-۵
123.....	سوال پژوهشی نه ۹-۳-۵
124.....	۴-۵ محدودیتهای تحقیق
125.....	۵-۵ پیشنهادها
126.....	۶-۵ پیشنهادهای کاربردی

- جدول ۴-۱: شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش بر حسب جنس..... ۹۳
- جدول ۴-۲: شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش بر حسب گروه تحصیلی..... ۹۴
- جدول (۴-۳): نتایج ارزیابی ابعاد برنامه درسی پنهان در خصوص ماهیت و اهداف دروس
معارف اسلامی..... ۹۵
- جدول (۴-۴): نتایج ارزیابی ابعاد برنامه درسی پنهان در خصوص باورها و ارزشهای
دانشجویان..... ۹۷
- جدول (۴-۵): نتایج ارزیابی ابعاد برنامه درسی پنهان در خصوص روحیه علمی
دانشجویان..... ۹۹
- جدول (۴-۶): نتایج ارزیابی عوامل اثرگذار برنامه درسی پنهان در حوزه دروس معارف
اسلامی..... ۱۰۰
- جدول ۴-۷: تحلیل چند متغیری بر روی نمرات ابعاد برنامه درسی پنهان با در نظر گرفتن جنس
به عنوان متغیر مستقل بر اساس آماره ویلکز لامبدا..... ۱۰۲
- جدول ۴-۸: تحلیل چند متغیری بر روی نمرات ابعاد برنامه درسی پنهان با در نظر گرفتن گروهها
به عنوان متغیر مستقل بر اساس آماره ویلکز لامبدا..... ۱۰۴
- جدول ۴-۹: تحلیل واریانس چند متغیری بین گروهی برای مقایسه میانگین نمرات متغیرهای
پژوهش در گروه های آموزشی مختلف..... ۱۰۴
- جدول ۴-۱۰: آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگینهای نمرات دانشجویان در متغیرهای مورد
نظر..... ۱۰۶
- جدول ۴-۱۱: تحلیل واریانس یک راهه بین گروهی برای مقایسه میانگین نمرات دانشجویان
دختر و پسر در خصوص عوامل اثرگذار بر برنامه درسی پنهان..... ۱۰۷
- جدول ۴-۱۲: تحلیل واریانس یک راهه بین گروهی برای مقایسه میانگین نمرات گروه ها در
خصوص عوامل اثرگذار بر برنامه درسی پنهان..... ۱۰۸

۱-۱ مقدمه

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است، به طوری که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن بر نکشیده است. قرآن کریم می‌فرماید: « انّ الله اصطفى لکم الدین فلا تموتنّ الا وانتم مسلمون » (البقره، ۱۳۲). یعنی: خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز بر آیین اسلام نمی‌رید.

به گفته پلوتارک اگر به صحنه گیتی نظر بی‌افکنیم، بسیاری از محل و اماکن را خواهید دید که در آنجا نه آبادیست نه علم و نه دولت، اما یک‌جا که خدا نباشد نمی‌توان پیدا نمود (رضایور، ۱۳۸۹).

باید توجه داشت که با عنایت به نگرش اسلام نسبت به انسان، در تعیین اهداف نظام آموزشی ایران به پرورش تمامی ابعاد وجودی انسان توجه شده است. هدف کلی، تربیت انسان معتقد و مسلمانی است که بتواند در ابعاد اجتماعی، سیاسی، زیستی، اخلاقی، فرهنگی، هنری و علمی رشد یابد این ابعاد هفت‌گانه در کنار بعد دینی وجوه هشت‌گانه اهداف نظام آموزشی ما را تشکیل می‌دهند. و لذا می‌توان گفت در نظام آموزشی ما اصطلاحاتی نظیر تربیت سیاسی، تربیت اخلاقی و تربیت هنری ناظر بر مجموعه‌ی فعالیت‌ها، برنامه‌ها و طرح‌هایی هستند که به تحقق هر یک از اهداف مصوّب کمک می‌کنند. مثلاً می‌توان به مجموعه‌ی طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با تحقق اهداف هنری "تربیت هنری" نام نهاد و به مجموعه طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با تحقق اهداف دینی "تربیت دینی" اطلاق نمود.

در سالیان اخیر دغدغه‌ی میان صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی بروز کرده است در خصوص اینکه آیا آموزش‌های دینی به طور عام و دروس معارف اسلامی به‌طور خاص، خود حامل برخی

اثرات ناخواسته و نامطلوب بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و عملکرد فراگیران نبوده‌اند؟ به بیان دیگر صرف- نظر از بررسی میزان اثربخشی محتوای دروس معارف اسلامی در جهت تحقق اهداف آن، اهمیت بررسی اثرات تلویحی و ضمنی این محتوی که احياناً در جهت مخالف اهداف مطلوب عمل کرده است، مورد نظر قرار گرفته است.

۱-۲ بیان مسأله

اگرچه هدف آموزش‌های دینی را نمی‌توان صرفاً ایجاد و پرورش باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مطلوب از نظر دین دانست ولی مسلماً اهداف حیطةی ارزشی مهم‌ترین اهداف این گونه آموزش‌ها می‌باشند، زیرا در صورت به وجود آمدن باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مطلوب است که اعمال صالح و اخلاق پسندیده به وجود خواهد آمد. در غیر این صورت آموزش‌ها جنبه‌ی سطحی می‌یابند و نمی‌توانند اسباب تحقق اهداف تربیت دینی را فراهم آورند.

بدون تردید برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در توفیق یا شکست این مؤسسات نقش کلیدی و تعیین کننده‌ی ایفا می‌کند. به عبارت روشن‌تر برنامه‌های درسی آینه تمام نمای میزان پیشرفت و انعکاس از پاسخ‌گو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای درحال تغییر جامعه هستند. با عنایت به نوآوری‌ها و تغییرات شگرفی که در عرصه‌های گوناگون در حال وقوع است. رسالت مستند سازی یافته‌ها و نشر و ترویج آن‌ها در قالب برنامه‌های درسی سازمان یافته و مدرن به عهده دانشگاه‌است (فتحی و اجارگاه و شفیع، ۱۳۸۶).

برنامه درسی به معنای جامع کلمه یکی از مظاهر تعلیم و تربیت در هر جامعه است. نقدی بر مدارس جدید در ممالک اسلامی و بیان لغزش‌ها و انحرافات، پیروی از فرهنگ غرب و فلسفه مادی و الحادی آن، رواج بیکاری، اعتیاد و معضلات بی‌شمار دیگر نشان می‌دهد که ما آن‌چنان که باید و

شایسته است از اسلام و سیره نبوی در جهت اسلامی شدن برنامه‌های درسی بهره‌برده-
ایم (سعیدرضوانی، ۱۳۸۰).

یکی از اساسی‌ترین اندیشه‌هایی که از ابتدای بازگشایی دانشگاه‌ها برای نیل به تحول مراکز آموزش عالی و مؤسسات آموزشی، فرهنگی و هنری و بر اساس فرهنگ صحیح اسلامی توسط برنامه‌ریزان نظام آموزش عالی کشور پیگیری شد، استفاده از آموزشی بود که در نهایت منجر به افزودن چندین درس به نام دروس معارف اسلامی به جمع واحدهای دانشگاهی گردید. فلسفه‌ی وجودی گنجاندن دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها، کمک به دانشگاه‌ها در ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی آن‌ها یعنی انسان‌سازی است (کلانتری، ۱۳۸۴).

با نگاهی به مبانی انسان‌شناسی انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب کبیر اجتماعی که سعادت مادی و معنوی انسان از اهداف عالی آن است، به اهمیت تحول در نظام آموزشی ایران اسلامی برای تأمین این نیاز و تحقق این هدف بیش از پیش پی خواهیم برد. بر این اساس، انقلاب فرهنگی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت و با بازگشایی دانشگاه‌ها پس از دوره کوتاه تعطیلی، در خانواده دروس عمومی دانشگاه‌ها مجموعه دروسی با عنوان دروس معارف اسلامی به عنوان دروسی که عموم دانشجویان باید در کلاس آنها حاضر شوند و به طوری که به رشته یا گرایش خاصی اختصاص ندارند، با اهداف زیر گنجانده شد:

آشنایی دانشجویان با اندیشه‌های دینی در حوزه باورها، اخلاق، تاریخ اسلام و تاریخ معاصر (آشنایی دانشجویان با معارف و سرچشمه‌ها ای فکری انقلاب)، تبیین اندیشه دینی با ادبیات دانشگاهی، ارتقای معنویت و اخلاق، دمیدن روح الهی در کالبد دانشگاه، دعوت دانشجویان به قیام برای خدا، حل مشکلات عاطفی، آموزشی و سیاسی دانشجویان، تولید اندیشه دینی، ایجاد تحول

عظیم روحی در دانشجویان و بسترسازی برای آن، پاسخگویی به مسائل وجودی انسان، رازها و نیازهای وجودی در جهان معاصر، افزایش شناخت و سطح آگاهی دانشجویان نسبت به تفکر دینی، اطلاع از ارزش‌های اسلامی، ایجاد تغییرات اساسی در رفتار و عادات دانشجویان، اشاعه دو عنصر علم و روحیه تدین در میان دانشجویان و ترویج روحیه انقلابی، نشاط انقلابی و بینش سیاسی در میان دانشجویان. (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۴)

در زمینه دروس معارف اسلامی تاکنون تحقیقاتی انجام شده که بیشتر آن‌ها از نوع نظرسنجی بوده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکلات دانشجویان در ارتباط با دروس معارف اسلامی عبارتند از: مشکلات استادان ۴۵ درصد، محتوای دروس: ۲۸/۵ درصد، نداشتن انگیزه برای خواندن درس: ۸/۲ درصد، نداشتن انگیزه برای خواندن درس: ۸/۲ درصد، برنامه‌ریزی دروس: ۳/۸ درصد، نامناسب بودن درس: ۴۰ درصد (یوسفی لویه، ۱۳۷۹).

واقعیت این است که دروس معارف با مشکلاتی مواجه است که به اختصار گذری اجمالی به بعضی از آنها ضروری است: ایزدی (۱۳۸۳) تعداد زیاد دانشجویان در کلاس معارف و ارایه دروس معارف در ساعات نامناسب و تفاوت در ارایه امکانات به اساتید دروس معارف (که باعث شده اساتید دروس معارف توجه کمتری به کلاس درس داشته باشند) را از مشکلات دروس معارف و بی‌علاقگی دانشجویان به این دروس ذکر می‌کند.

هم‌چنین سالار کیا (۱۳۸۱) بیان می‌کند که فراگیران باید طالب و مشتاق یادگیری باشند که این شوق آموختن در همه‌ی ورودی‌های دانشگاه دیده نمی‌شود، در ثانی باید در گزینش استاد توجه بیشتری شود که علاوه بر ملاک‌های علمی و اخلاقی و دارا بودن روحیه‌ی معلّمی با پذیرش ارزش‌های خاص حاکم بر این شغل است و باید تلاش کرد افرادی که به عضویت هیئت علمی در می‌آیند

کسانی باشند که فلسفه خاصی را برای حیات خود برگزیده‌اند و همچنین دادن اختیار به استادان واجد شرایط می‌تواند زمینه را برای همکاری و مشارکت بیشتر و خلاقیت آن‌ها مهیا سازد.

در جامعه ای مثل جامعه ما و تقریباً همه جوامع، دانشجویان بیشترین تماس فکری را با جهان بیرونی خود و جهان معاصر دارند. وقتی از درس معارف و یا دینداری و دانشجو صحبت می‌شود در حقیقت از دینداری «انسان معاصر» صحبت می‌کنیم. مسئله‌ای که امروز در دانشگاه داریم، مسئله فردای کل جامعه است. هر مشکلی که در دانشگاه حل شود در جامعه هم حل می‌شود و در غیر این صورت حتی اگر آن مسئله امروز در جامعه وجود نداشته باشد، قطعاً مسئله فردای جامعه خواهد بود.

برای آن که برنامه‌ریزان درسی حیطه‌ی معارف اسلامی مطمئن شوند که برنامه‌هایشان توانسته است اهداف حیطه‌ی ارزشی را تحقق سازد بایستی اولاً اصول و روش‌های علم برنامه‌ریزی درسی در حیطه‌ی ارزشی را مدنظر قرار دهند و ثانیاً عوامل مختلف مداخله‌گر در ایجاد باورها، ارزش‌ها و طرز تلقی‌ها را بشناسند. مبحث برنامه درسی پنهان در مفهوم کلی آن با همین مسأله سروکار دارد، یعنی صاحب‌نظران مختلف برنامه درسی پنهان معتقدند که فراگیر صرفاً آنچه را که در برنامه درسی آشکار به آن تصریح شده است یاد نمی‌گیرند، بلکه چیزهای متنوع و متعدد دیگری ضمن تحصیل در نظام آموزشی یاد می‌گیرند. شاید بتوان این توصیف بسیار کلی از برنامه‌ی درسی پنهان را در تعریف میقان^۱ (۱۹۸۱) مشاهده کرد: به تمام چیزهایی که در طی تحصیل به‌غیر از برنامه‌ی درسی آشکار آموخته می‌شوند، برنامه درسی پنهان اطلاق می‌شوند (به نقل از اسمیت و مونت مری، ۲۰۰۱). باید دانست که این آموخته‌های دیگر که می‌توان آن‌ها را «آموخته‌های غیر آکادمیکی» نامید، از نظر صاحب‌نظران بیش از هر چیز با حیطه‌ی ارزشها مرتبط هستند. چنانچه مهر محمدی (۱۳۸۱) می‌گوید: «تجارب

1. Meighan
2. Smit & Monegomery

یادگیری که به وسیله برنامه درسی پنهان حاصل می شود عمدتاً در قالب مجموعه‌ای از انتظارات و ارزش ها تبلور می‌یابد و کمتر به حوزه دانستنی‌ها و شناخت مربوط است».

در نظام‌های آموزشی، که از مهم‌ترین وزیر بنایی‌ترین نظام‌های هر کشور برای تربیت سرمایه‌های انسانی و توسعه همه جانبه و پایدار محسوب می‌شوند، جامع‌نگری و مواجهه همه جانبه دقیق و عمیق با پدیده برنامه درسی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. در طول تاریخ برنامه درسی تلاش - های زیادی از سوی صاحب نظران این رشته صورت گرفته که موجب غنای هر چه بیشتر آن گردیده است. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها که از مفاهیم و مباحث نسبتاً تازه و ارزشمند برنامه درسی است، اشاره به سه نوع برنامه درسی که عبارتند از: برنامه درسی آشکار، برنامه درسی پنهان و برنامه درسی پوچ یا تهی (آیزنر^۱، ۱۹۹۴).

آنچه طراحان و برنامه ریزان درسی برای رشد و تربیت ابعاد گوناگون شخصیت فراگیران به طور آگاهانه طراحی و برنامه ریزی می‌کنند و دارای اهداف آموزشی مدون، محتوای معین و سازماندهی شده، اصول و روش‌های یاددهی و یادگیری متناسب با اهداف و محتوا و شیوه‌های ارزشیابی هماهنگ و پیش‌بینی شده است را برنامه درسی رسمی یا آشکار می‌نامند (ملکی، ۱۳۷۶).

هرگاه نظام برنامه‌ریزی درسی برخی از مفاهیم و مسائل را عملاً در برنامه‌های درسی نگنجاند و یا مطالب گنجانیده شده در برنامه‌های درسی یا کتاب‌های درسی با سن عقلی فراگیران متناسب و برای آنها قابل فهم نباشد، برنامه درسی را برنامه درسی عقیم یا پوچ می‌نامند (عباس‌زادگان، ۱۳۷۶).

مفهوم برنامه درسی پنهان مانند هر اصطلاح دیگری در علم تعلیم و تربیت، به انواع عبارت‌های متنوع و گوناگونی تعریف شده است. برخی صاحب نظران نیز چندین تعریف برای این مفهوم بیان

^۱. Eisner

کرده‌اند و به نوعی مفهوم برنامه درسی پنهان را به‌چندین برداشت متنوع طبقه‌بندی نموده‌اند. شاید یکی از تعاریف نسبتاً جامع از مفهوم برنامه درسی پنهان تعریف شوبرت^۱ (۱۹۸۰) باشد. وی برنامه درسی پنهان را عبارت از همه چیزهایی می‌داند که ما (مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت) از طریق اعمالمان، تربیت محیط‌مان، تعامل‌هایمان و برنامه درسی‌مان آموزش می‌دهیم، ولی این آموخته‌ها در محتوای برنامه‌های درسی تشریح نشده‌اند (سعیدرضوانی، ۱۳۸۰).

در پژوهش حاضر از میان تعاریف متعدد برنامه درسی پنهان، با توجه به اهمیت و بررسی اثرات ضمنی و تلویحی آموزش‌های دینی که شرح آن در مقدمه گذشت، تعریف زیر برای برنامه درسی پنهان انتخاب شده است: «برنامه درسی پنهان عبارتست از بار ارزشی ناخواسته حاصل از مواجهه دانشجویان با برنامه درسی آشکار» و لذا منظور از برنامه درسی پنهان در دروس معارف اسلامی در نظام آموزش عالی و در پژوهش حاضر را می‌توان بار ارزشی ناخواسته حاصل از مواجهه دانشجویان با این دروس هستند. منظور از بار ارزشی ناخواسته در این پژوهش تمام تأثیراتی است که این درس می‌تواند در باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، طرز تلقی‌ها با توجه به اسناد در دسترس راجع به برنامه‌درسی دروس معارف اسلامی مانند اهداف مکتوب (قصد شده) دروس معارف اسلامی و محتوای آشکار دروس معارف اسلامی و نیز اصول مسلم و بدیهی مربوط به ماهیت دین اسلام، منظور نظر برنامه ریزان نباشند. لازم به توضیح است که «بار ارزش ناخواسته می‌تواند باور، ارزش، نگرش یا طرز تلقی ناخواسته‌ای باشد که به طور کامل توسط دروس معارف اسلامی ایجاد شده باشد و نیز می‌تواند تقویت‌کننده یا یکی از عوامل ایجاد باور، ارزش، نگرش یا طرز تلقی ناخواسته توسط دروس معارف اسلامی باشد.

^۱. Shobret

به هر روی تبیین ارتباط برنامه‌های درسی پنهان و دروس معارف اسلامی را با توجه به نقش آفرینی برنامه‌های درسی پنهان در ایجاد ارزش‌ها و نگرش‌ها و اهمیت خاص حیطه ارزش‌ها در آموزش‌های دینی، می‌توان زمینه کلی پژوهش حاضر دانست ولی هم‌چنان که سنت پژوهشی حکم می‌کند در هر فعالیت پژوهشی باید نسبت به تدقیق مفاهیم و نیز محدود کردن مسئله پژوهشی همت گمارد.

پژوهش حاضر درصدد بررسی اثرات تلویحی و ضمنی ناخواسته دروس معارف اسلامی بوده و با توجه به این که موضوع اثرات تلویحی و ضمنی در حوزه برنامه درسی پنهان بحث شده است، برای تبیین موضوع و انجام پژوهش از چارچوب نظری و روشهای متناسب با مفهوم برنامه درسی پنهان استفاده شده است.

۱-۳ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

دین در تمام زمان‌ها و مکان‌ها و در تمام جوامع از ابتدائی تا مدرن به صورت‌های متفاوت وجود داشته است. پس می‌توان چنین گفت که دین نیاز فطری انسان‌ها می‌باشد که در بعد فردی پاسخگوی سئوالات غایی انسان و در بعد اجتماعی سامان دهنده یا انسجام بخش مجموعه جامعه می‌باشند. سست شدن پایبندی دینی در بعد فردی موجب عدم پاسخگویی به یک نیاز فطری انسان که کاهش توان تحمل مصائب زندگی یا فرافکنی، بی‌هدفی یا سردرگمی و بحران هویت را به دنبال خواهد داشت و در بعد اجتماعی تضعیف انسجام اجتماعی عدم وابستگی افراد به نظام اجتماعی، تقویت گروه مرجع بیرونی و تقویت ارزش‌های دینی را به دنبال دارد و این روند دایره وار جوانان ما را در بر می‌گیرد (رضاپور، ۱۳۸۹).

دانشجویان از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی و آینده‌سازان جامعه هستند. توجه به رشد و تعمیق مبانی و اندیشه‌های فکری و فضایل اخلاقی آنان وظیفه دولت اسلامی است. فلسفه وجودی گنجاندن دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها کمک به دانشگاهیان در ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی آن‌ها یعنی انسان‌سازی است؛ زیرا دانشگاه مکان پرورش روحیه انسان‌سازی می‌باشد. (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۴).

مطالعه و بررسی پژوهش‌ها، گزارش‌ها و مقالاتی که به ویژه در سالیان اخیر مطرح شده است نشان دهنده‌ی عدم توفیق نسبی نظام آموزشی به طور کلی و آموزش دینی در مراکز تعلیم و تربیت به طور خاص در تحقق اهداف ارزشی بوده است. به عنوان نمونه قاسم کریمی در هفتمین همایش جایگاه تربیت (۱۳۷۷) می‌گوید: همگان به وضوح در یافته‌اند که نسلهای تحت تعلیم، فاقد ویژگیها، اندیشه‌ها و رفتارهای دینی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و انقلابی مورد نظر هستند (به نقل از سعیدرضوانی، ۱۳۸۰).

علی سادۀئی در ششمین همایش جایگاه تربیت (۱۳۷۴) می‌گوید: "به عبارت بهتر، پیام سمینارها، کنفرانس‌ها و اجلاس‌های متعدد توسط نهادها و مراکز آموزشی و فرهنگی کشور در سال‌های اخیر، نشانه‌هایی از احساس خطر و افزایش ضریب آسیب‌پذیر و دینی و مذهبی در نسل نو می‌باشد".

با وجود آن‌که در دهه‌های اخیر مفهوم برنامه‌درسی پنهان و لزوم توجه به آن نقش محوری و ویژه‌ای را در مطالعات و تحقیقات برنامه‌درسی ایفا نموده است و صاحب‌نظران متعددی به مطالعه، بررسی و پژوهش برای کشف ابعاد ناشناخته این برنامه در کشورهای مختلف پرداخته‌اند، لیکن در کشور ما وجه غالب توجه مسئولان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بر برنامه‌های درسی رسمی یا

آشکار بوده و این بدان معناست که بخش قابل توجهی از برنامه‌های درسی که فراگیران در نظام‌های آموزشی عملاً در معرض آن قرار می‌گیرند، خصوصاً اثر برنامه درسی پنهان بر روی فراگیران در نظام‌های آموزشی عملاً مورد غفلت قرار گرفته و جامعیت برنامه درسی نیز مورد سؤال رفته است (سعیدرضوانی، ۱۳۸۰).

به زعم مهرمحمدی (۱۳۸۱) مفهوم برنامه درسی پنهان، از مباحث و مفاهیم نسبتاً نو و بسیار روشنگرانه در قلمرو پژوهش‌های آموزشی و تربیتی است. طرح چنین مفهومی از ضرورت توجه به آنچه فراگیران با حضور در نظام آموزشی تجربه می‌کنند و می‌آموزند حکایت دارد. حال آن‌که، آنچه طراحان و برنامه ریزان درسی برای رشد و تربیت فراگیران طراحی و برنامه ریزی می‌کنند، برنامه درسی رسمی است و عوامل دیگر که جزو برنامه درسی نیستند، از دید برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت پنهان می‌ماند. در اهمیت و تأثیر برنامه درسی پنهان گفته شده است، برنامه درسی پنهان، در حدی معنی‌دار، تعیین‌کننده آن چیزی است که مبنای احساس ارزش و عزت نفس همه شرکت‌کنندگان است و بیش از برنامه درسی رسمی در سازگاری فراگیران و مدرسان تأثیر دارد. در این راستا تعامل و یکپارچگی تمامی مؤلفه‌ها و عناصر برنامه برای نیل به اهداف و غایات نظام آموزش عالی ضروری می‌نماید.

با توجه به مطالب مذکور می‌توان به ضرورت‌های اساسی موضوع برنامه درسی پنهان در دروس

معارف در نظام آموزش عالی و انتخاب قشر دانشجو اشاره نمود که عبارتند از:

- ۱ - در حوزه نظری با توجه به این‌که برنامه درسی پنهان یک زمینه مفهومی نسبتاً جدیدی در برنامه‌ریزی درسی است، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت با مفهوم و ابعاد آن آشنا خواهند شد.